



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۰/۲۹

یونس نگاه

سرگذشت سرود ملی افغانستان

(حکایت آمل، ترس‌ها و دروغ‌های حاکمان سیاسی)

اولین سرود ملی در زمان امان‌الله خان ساخته شده بود که به "سرود امانی" معروف بود. بعد از آن شش بار همراه با تغییر رژیم، سرودهای تازه معرفی شد. در بین سرودهای هفت‌گانه، دوتای شان تک بوده اند یکی سرود امانی که یک قطعه موسیقی کوتاه یک‌دقیقه و سی و هفت ثانیه‌ای بدون کلام اما گرم، آرام و باوقار بود- بدون لاف و پتاق کلامی. آن قطعه که به سبک موسیقی کلاسیک اروپا توسط خالد رجب بیگ، استاد ترکی مکتب صنایع و موزیک در کابل ساخته شده بود و زمزمه‌های انگشتان بتهوون را به‌گوش آدم زنده می‌کرد، هیجان خلق نمی‌کرد بلکه به آرامش و تفکر وا می‌داشت (لینک‌اش در کمنت). دومین سرود تک از طالبان بود که موسیقی نداشت و سراسر لاف و پتاق آزادی، ملی‌گرایی و استقلال بود (این خانه شهیدان، این خانه دلیران را با خون سرخ خود حفاظت می‌کنیم). تفاوت این دو نشان می‌دهد که سرود ملی به‌راستی روحیه و وضعیت حاکمان زمان را انعکاس می‌دهد و ما با دقت به این سرودها می‌توانیم خلاصه تاریخ معاصر کشور خود را مرور کنیم.

از سرود امان‌الله خان شروع می‌کنیم. او چون استقلال را گرفته بود و برای استقرار جامعه مدرن تلاش می‌ورزید، علاقه‌مند به پخش آرامش و تفکر بود. بعد از او دوران کوتاه حبیب‌الله کلکانی بی‌سرود گزارش شده است. در دوران نادرخان می‌گویند به‌جای سرود امانی، یک مارش نظامی پخش می‌شد. او جنرال بود، با سرنیزه آمده بود و سرودش نیز نظامی بود. در زمان ظاهرشاه از سال 1943 تا 1973 سلام شاهی به‌جای سرود ملی استفاده می‌شد. در سلام شاهی، شاه از زبان ملت غیور و مهربان خوانده شده بود. از زبان مردم گفته شده بود که ما مطیع شما، فرزند شما، فداکار شما، ترس ظاهرشاه مثل هر شاه دیگر احتمال سرپیچی بود. او مردم را به اطاعت و فداکاری فرا می‌خواند. از شعارهای ملی‌گرایانه، آرمانی و مذهبی خبری نبود. اولین بار شعار وحدت ملی، جاویدانی، ملت و جمهوریت در زمان داودخان سرود ملی شد. در سرود داودخان گفته شده بود تا وقتی زمین و آسمان است، تا وقتی این جهان آباد است، تا زمانی که در جهان زندگی جریان دارد افغانستان پایدار خواهد بود، ملت افغانستان پایدار خواهد بود، جمهوریت و وحدت ملی پایدار خواهد بود. در واقع ترس‌هایی که امروز ما از فروپاشی داریم در زمان داودخان آغاز شده بود. او و همراهان‌اش متوجه شده بودند که تفرقه، بنیادگرایی، تندروی و نفاق قومی فوراً خواهد کرد. در زمان او اولین دسته‌های شورشی از پاکستان آمده چند جای جنگ راه انداختند. احزاب قومی، مذهبی، ایدئولوژیک آستین بالا زده بودند تا وطن را "سقف بشکافند و طرح نو دراندازند."

در سال 1978 خلقی‌ها، یکی از گروه‌های متعهد به شکافتن سقف وطن، حاکم شدند و آزادی‌های حداقلی مردم را گرفتند. بعد استقلال را هم به باد دادند. اقتصاد و زیربنا در درگیری‌های طرح نو بسیار آسیب دید. اما این گروه خیالاتی و کنده از واقعیت‌ها به زمین نمی‌دید. از آفتاب سخن می‌گفت: گرم‌شو، گرم‌تر شو ای آفتاب مقدس! ای آفتاب آزادی، ای آفتاب خوشبختی!

استقلال چند بلیست افغانستان را نگه داشته نتوانسته بودند ولی از بین‌الملل گز می‌کردند (مور به نریوالو کی/ سوله او وروری غوارو). هر روز بم می‌ریختند و خانه‌های مردم را ویران می‌کردند ولی در سرود ملی خود فریاد می‌زدند که برای کارگران و زحمت‌کشان خانه می‌خواهیم، لباس می‌خواهیم (کور غوارو، کالی غوارو). بعد از آنان، مجاهدان با افکار فیودالی خود رسیدند که سرودشان پر از کلمات قلعه، زادگاه، خاک، سنگر، تیغ، جهاد، زنجیر، قرآن و الله و اکبر بود (قلعه اسلام و قلب آسیا/ جاودان، آزاد خاک آریا). این دو مصرع اول تصویر کامل از محتوای سرود حکومت ربانی می‌دهد. حکومت او نماینده گروه‌های دهاتی، مسلمان و قوم‌گرا بود. در واقع ترسی که در سرود ملی داودخان به‌شکل نفی مطرح شده بود، در زمان خلقی‌ها عریان شد و در زمان مجاهدین به اوج رسید و بعد از آن جوشیده آمد تا امروز. این سرود تغییر بنیادی در هویت حکومت را نشان می‌داد. یک بار کلمه افغانستان در وسط سرود ذکر شده بود، اما مهم‌ترین کلمه هویتی-نژادی در آن آریا بود و زبان سرود که فارسی بود (سرود برای دومین بار فارسی شده بود- بار اول در زمان ظاهرشاه). ازین به‌بعد جنگ قومی و زبانی زیر بیرق اسلام مهم‌ترین بخش تاریخ ماست. این جنگ را صد البته ربانی شروع نکرده بود و از بسیار سال‌ها قبل

جریان داشت. اما از آن پس عریان و بیرقی شد، جای ایدیولوژی ها و آرمان های چپی و راستی را گرفت و ذات سیاست گردید.

طالبان که زاده آن دوران پرتلاطم جنگ های قومی و نفاق های زبانی بود، اگرچه از مدارس و با شعارهای ایدیولوژیک وارد معرکه شدند ولی ترانه شان حتی کمتر از ترانه جمهوری کوزی و کمتر از سرود ربانی اسلامی بود. ترانه طالبان به سرود ملی جمهوری داودخان بیشتر شباهت داشت تا ترانه اسلامی ربانی. این ترانه را اگر گروه افغان ملت هم می نوشت جای تعجب نداشت. شاه فرد ترانه داود خان در ترانه طالبان انعکاس یافته بود. داود خان گفته بود: "تا زمانی که درین جهان زندگی است/ تا زمانی که یک افغان باقی است/ همیشه این افغانستان خواهد بود" (خوچی ژوند پر دی جهان وی/ خوچی پاتی یو افغان وی/ تل به دا افغانستان وی). طالبان گفته اند: تا زمانی که زنده ایم تاریخ تو را بهاد می سپاریم/ تا زمانی که زنده ایم، این جا بازان به سر خواهند برد (خوچی وی ژوندون زمونر سنا تاریخ به یاد ساتو، خوچی وی ژوندون زمونر دی کبني به بازان اوسي).

جالب است ترانه طالبان از نظر وزن به سرود خلقی ها شباهت دارد: ای د آزادی لمره/ ای د نیکمرغی لمره (خلقها). دا د زمریانو کور/ دا د باتورانو کور (طالبان). اولی را سلیمان لایق سروده بود. دومی را گمان نمی کند او سروده باشد.

اما هرچه هست، سرود طالبان جز کلمه "شهید" که یکبار با محتوای قومی-وطنی به کار رفته است، از اصطلاحات جهادی-اسلامی خالی است و بیشتر به سرود ملی گرایان پشتون می ماند که در آن وطن لعل دارد، خانه باتوران و بازان است، قربان وطن می شویم {نه قربان اسلام}، از انگریز آزادش کردیم و از روسان آزادش کردیم و همه می دانند که این جا خانه افغانان است.

با رفتن طالبان، داغ های زیادی بر پیکر افغانستان مانده بود. داغ تفرقه قومی و زبانی از همه عمیق تر بود. اگر این گونه نمی بود، همه "مبارزان اسلام"، "دمکرات های لیبرال"، و حتی "چپ های سرخ" برای رهایی از شر همدیگر زیر چین امریکا و ناتو پناه نمی بردند. همه رهبران و قومندانان سیاسی بدون جنجال زیاد تایید کردند که ما بدون سرپرست خارجی قادر به همکاری نیستیم. توافق نامه بن را امضا کردند و بعد از چند سال سرود ملی جمهوری اسلامی خود را نیز بعد از کشمکش ها بیرون دادند. این سرود نیز مثل ترانه ها و سرودهای گذشته روح جامعه سیاسی را عریان می کرد و نشان می داد که سیاستمداران حاکم از چه می ترسند و درگیری اصلی شان چیست؟ قومیت و زبان.

در دوره بیست ساله حاکمیت جمهوری اسلامی زیر سرپرستی امریکا هیچ امری به اندازه زبان و قومیت مساله نبود. اسلام، ایدیولوژی، آرمان، وطن، آزادی، دمکراسی، رفاه، استقلال و پیشرفت همه در خورجین های قوم گرایی و زبان گرایی ریخته شده وارد بازار گردیدند. همه این ها کارت و ابزار بازی برای تثبیت جایگاه قومی و زبانی طرف های درگیر سیاست بود. مردم حساب شان در بسیاری موارد جد است. طبیعی است که درین فرصت کسانی درس خواندند، نوشتند، کار و سرمایه گذاری کردند و مایه های دمکراسی و آزادی را خلق کردند. نظامی به وجود آمد که اگر فرصت می یافت چتری برای زندگی حداقلی می شد. اما، در بالا و میان سیاستمداران هیچ یکی ازین ها در اولویت نبود. قوم ایمان بود. قوم دمکراسی بود. قوم آزادی بود. همین طور زبان.

برای اولین بار در تاریخ افغانستان نام اقوام در سرود ملی گنجانده شد که این وطن خانه همه است؛ از بلوچ، از ازبک، از پشتون، از هزاره، از ترکمن و از تاجیک و دیگران. آوردن کلمه دیگر بعد از تاجیک حکایت از ذهنیت فاجعه بار قوم زده در سرود ملی داشت که مردم کشور را به اقوام درجه یک، درجه دو، درجه سه و بی درجه تقسیم کرده بودند. چهار قوم اصلی قیل از کلمه دیگر ذکر شده بودند و برای پنهان کردن این ذهنیت قوم زده نام دو قوم و غیره {ترکمن و بلوچ} را نیز در جمع شان افزوده بودند. ولی واقعیت این بود که غیر از پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک در جمهوری اسلامی اقوام دیگر به رسمیت شناخته نمی شدند. کسانی که قوم شان معلوم نبود یا قوم برای شان مهم نبود، از رده آدم های حساب شدنی بیرون انگاشته می شدند.

زبان سرود ملی تا هنوز مساله است و کسانی صرفاً بخاطری که سرود ملی به پشتو بود، آن را سرود قوم پشتون می خوانند، درحالی که آن سرود، ترانه تمام قوم گرایانی بود که تیکه داری چهار قوم را می کردند. در سرود ملی جمهوری اسلامی کوزی و غنی از سرود ملی ربانی الله اکبر، و از سرود داود خان و ترانه طالبان همیشه می درخشد (تل خلیری) راه یافته بود.

زبان حامل تاریخ ماست. ترانه ها آمل و ترس های ما را و هویت سیاسی گروه هایی را که می کوشند زیر بیرق ها و شعارها پنهان نمایند، آشکار می کند.

غیر از آن سرود زیبای امانی، باقی همه داستان سرگردانی های ملت ماست. این ترانه ها می گویند که چرا افغانستان هنوز دچار تلاطم های بنیادافکن است، چرا این مردم هنوز ملت نشده و به جای پرداختن به نان، آزادی، رفاه و آرامش گرفتار رنج قومیت، زبان و مذهب اند.

وقتی فردا، بخیر افغانستان دمکراتیک را ساختید مثل امان الله خان چیزی تدوین کنید که آرام گرفتن و فکر کردن را تداعی کند. حکایت از اعتماد به نفس ملت داشته باشد و آنان را به حلقه های قومی، زبانی و مذهبی دسته بندی نکند.

لینک سرود امانی را در کمنت می‌گذارم. آن را بشنوید و از غوغای کلماتِ ضدونقیض و پر از دروغی که بعد از آن به‌خورد ما داده شده است، لحظه‌ای فارغ گردید.

[سرود ملی شاه امان الله خان. 1926-1943.](#)

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ